



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشکده‌ی موسیقی

پایان‌نامه تحصیلی جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته نوازندگی موسیقی جهانی

### **عنوان:**

تجزیه و تحلیل سوییت شماره‌ی ۳ باخ و بررسی تفاوت‌های

اجرایی آن در ویلنسل با ویولا

**استاد راهنما:**

خانم ستاره بهشتی

### **عنوان بخش عملی**

اجرای رسیتال ویولا در چهار دوره

**استاد راهنمای بخش عملی:**

خانم ستاره بهشتی

**استاد مشاور**

آقای هوشیار خیام

**نگارش و تمقیق**

آتنا زنگنه نژاد شهری

شهریور ۱۳۸۹

#### تعهد نامه

اینجانب آتنا زنگنه نژاد شهری اعلام می دارم که تمام فصل های این پایان نامه و اجزای مربوط به آن برای اولین بار (توسط اینجانب) انجام شده است . برداشت از نوشته ها ، کتب ، اسناد ، مدارک و تصاویر پژوهش گران حقیقی یا حقوقی ( فارسی و غیر فارسی ) با ذکر مأخذ کامل و به شیوه ی تحقیق علمی صورت گرفته است . بدیهی است در صورتی که خلاف موارد فوق اثبات شود مسئولیت آن مستقیماً" به عهده ی اینجانب خواهد بود .

امضا:

تاریخ :

با تقدیم احترام،

به همسر

علیرضا پردلی

## چکیده:

این پایان‌نامه از دو بخش نظری و عملی تشکیل شده است.

بخش نظری شامل بررسی تفاوت‌های اجرایی، سوییتهای باخ، در ویولنسل با ویولا و تجزیه و تحلیل

سویت شماره ۳ اثر سباستین باخ.

بخش عملی شامل اجرای قطعاتی برای ویولا به همراهی پیانو از دوره‌های مختلف تاریخی می‌باشد.

این قطعات عبارتند از:

۱- سوئیت شماره ۳ اثر سباستین باخ - دوره باروک

۲- کنسرتو در Re ماژور اثر هوفماستیر - دوره کلاسیک

۳- رومنس شماره ۵ اثر بتهوون - دوره رمانتیک

۴- قطعه مدرن اثر هیندمیت - دوره مدرن

واژه‌های کلیدی تحقیق:

دوره باروک، سوئیت، تکنیک‌های آرشه، تکنیک‌های انگشت‌گذاری، تجزیه و تحلیل آرتیکلاسیون.

مقدمه

• بخش اول:

۴	دوره باروک
۶	ویلنسل در دوره باروک
۷	سوویت باروک
۱۰	بیوگرافی تیم جانوف Tim Janof
۱۱	معرفی شش سوویت اثر یوهان سباستین باخ
۱۷	تفسیر سوویت‌های ویلنسل باخ
۳۲	بررسی ویرایش‌های سوویت‌های باخ

• بخش دوم:

۴۴	بررسی و تجزیه و تحلیل فرم سوویت شماره ۳ اثر یوهان سباستین باخ
	نت سوویت شماره ۳ باخ

## **Abstract**

This dissertation is divided into two parts: theoretical and practical.

The Theoretical part including the evolution of violoncello in different historical periods, structure and musical performance Technique of violoncello sonata number 1 from Beethoven.

The practical part including violoncello and piano performance from different historical periods.

1-suite number 3: J.S. Bach-Baroque period.

2-concerto in D major : F.A. Haydn-classic period.

3- Romance : L.V. Beethoven- Romantic period.

4-Meditation : Paul Hindemith- Modern.

The words of investigation:

Middle Ages period- Baroque period -classic period-twentieth century period-A. Religious music-Bass violon-viola da gamba- violon cello-sonata forms-themes- suite.

**Ministry of Science, Research & Technology**



**University of Art**

**Faculty of Music**

**Thesis Title**

**Classical Music Performance**

A Thesis Submitted to Graduate Studies Office in Partial Fulfillment of the  
Requirements for the Degree of Master of Arts in Music

**Practical Subject:**

**Viola recital in four epoch**

Adviser:

Mrs Setareh Beheshtie

**Theoretical Subject:**

**Analysis of J. S. Bach Suite N<sup>o</sup> 3 and observation of it differences in  
performance on Viola And on cello**

Consultant:

Dr.Houshyar Khayam

**Prepared by:**

**Atena Zangeneh**

**September 2010**



## مقدمه

ساز ویولا به دلیل ساختار فیزیکی خود و تشابهاتی که از نظر ظاهری با ساز ویلنسل دارد در بسیاری از موارد همانند این ساز می‌باشد. اما در مقولهٔ اکول، دست چپ و راست در مواردی با ویلنسل در تضاد است. هدف من مشخص نمودن ابهاماتی است که در اجرای سوئیت شمارهٔ ۳ باخ در رابطه با آرشه کشی‌های مختلف در این دو ساز در تضاد است را بیان کنم. امروزه ویولا از نظر ساختمان و تکنیک نوازندگی بسیار پیشرفته است. این ساز می‌تواند در اجرای قطعات، در ردیف سازهایی همچون ویلن، پیانو، ویلنسل قرار گرفته و با آنها برابری کند.

در بخش اول، با توصیفی در مورد فرم سوئیت و ساختار و معرفی رقص‌ها اشاره گردیده است. قسمت دوم به معرفی Tim Janof (تیم جانوف) یکی از محققین و رئیس کانون ویلنسل در سیاتل آمریکا می‌پردازد که با ترجمهٔ مقالات وی در بخشهایی از این پایان‌نامه بهره جسته‌ایم.

قسمت سوم بیان توضیحات کامل در مورد ۶ قطعه (سوئیت) برای ویلنسل بدون همراه اثر سباستین باخ می‌باشد.

در قسمت چهارم به تفسیر سوئیت‌های ویولنسل باخ می‌پردازیم.

در قسمت پنجم بیانگر بررسی ویرایش‌های سوئیت‌های سباستین باخ می‌باشد.

در بخش پایانی به آنالیز سوئیت شمارهٔ ۳ باخ که از بزرگترین آهنگسازان دورهٔ باروک و تاریخ موسیقی است، پرداخته‌ایم. و از لحاظ ساختار هارمونیک و ملودیک مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌ایم.

در این بخش توضیحات با استفاده از بخشهای انتخابی از نت موردنظر تکمیل شده است. این سوئیت به طور کامل در بخش عملی به عنوان قطعهٔ انتخابی دورهٔ باروک اجرا می‌شود.

در این پایان‌نامه از روش تحقیق به صورت جمع‌آوری اطلاعات از کتب تاریخ موسیقی، منابع چاپ شده اینترنتی درباره ویلنسل و ویولا، کتب فرهنگ لغات تخصصی موسیقی، همچنین نظرات و راهنمایی اساتید موسیقی استفاده شده است.

## سپاسگذاری

در آغاز از استاد ارجمند خانم دکتر ستاره بهشتی؛ استاد و نوازنده برجسته دانشگاه هنر و دانشگاه تهران و آقای دکتر هوشیار خیام، استاد موسیقی دانشگاه هنر که با راهنماییهای بی دریغشان مرا در تدوین و ادامه این پایان نامه یاری نمودند، تشکر و قدردانی می‌کنم و همچنین از مدیریت محترم دانشگاه هنر، استاد شریف لطفی کمال تشکر و قدردانی را دارم.

همسرم، علیرضا پردلی که از هر نظر در این پایان نامه سهم است و همچنین برادرانم آرش و آریو زنگنه که به ایده‌های این پایان نامه بیانی واضح بخشیده‌اند سپاسگذاری می‌کنم، از آقای نیما فرهمند برای همراهی به پیانو در بخش عملی کمال تشکر را دارم .

آتنا زنگنه

شهریور ۱۳۸۹

## دوره باروک (۱۷۵۰-۱۶۰۰)

در دوره باروک (Baroque) شاهد هنر دوگانه کلیسایی و درباری هستیم. سیستم فنودالی- درباری به تدریج انحصار هنر را در دست می‌گیرد. دربارها به جذب هنرمندان پرداخته، و هنرهای مختلف را به انحصار پادشاهان درمی‌آورند.

دوره باروک به سه دوره فرعی تقسیم میشود:

باروک آغازین (۱۶۴۰-۱۶۰۰): این مرحله از انقلابی‌ترین دوران‌های تاریخ موسیقی بوده است. آهنگسازان این دوره از بافت هموفونیک استفاده می‌کردند.

در این دوره برای اولین بار "اپرا" در سال ۱۵۹۹ میلادی توسط "گلودیومونته وردی" بوجود آمد. "اپرا" امروزه نیز از پر طرفدارترین و توانمندترین گونه‌های نمایش موسیقایی است. نخستین تالار همگانی "اپرا"، در ونیز به سال ۱۶۳۷ میلادی گشایش یافت.

باروک میانی (۱۶۸۰-۱۶۴۰): در این دوره "مدهایی کلیسایی" جایگاه خود را، به تدریج به گامهای "ماژور" و "مینور" سپردند. از ویژگی‌های "دوره باروک میانی" اهمیت نو و بی سابقه موسیقی سازی بود. بسیاری از آثار این دوره برای سازهایی از خانواده ویلن که محبوبترین سازهای این دوران بودند، به نگارش درآمده است.

باروک پایانی (۱۷۵۰-۱۶۸۰): این دوره دربردارنده اغلب آثار معروف "باروک" است. در واقع امروزه "دوره باروک" را با آثار این دوره می‌شناسند.

ویژگی‌های موسیقی "دوره باروک" عبارتند از:

یگانگی وحدت: یک قطعه باروک اغلب فقط بیانگر یک حالت است. قطعه‌ای که شاد آغاز شده، تا پایان شاد می‌ماند.

ریتم: یگانگی حالت، بیشتر با یکنواختی و پیوستگی ریتم انتقال داده می‌شود. در موسیقی باروک تأکید بر ضرب بیش از اغلب آثار موسیقی رنسانس است.

ملودی: ملودی باروک نیز، حسی از یکنواختی و پیوستگی بوجود می‌آورد. ملودی آغازین قطعه بارها و بارها شنیده می‌شود. حتی در زمانی که به شکلی دگرگون شده نمود می‌یابد.

دینامیک پله‌ای: موسیقی باروک از پیوستگی دینامیکی نیز برخوردار است. حجم صوتی برای مدتی ثابت نگه داشته می‌شود. تغییر دینامیک ناگهان و چنان است، که گویی دینامیک از سطحی به سطح دیگر منتقل شده است. این تغییر و تبدیل میان قوی و ضعیف، "دینامیک پله‌ای" نام گرفته است.

سازهای شستی‌دار مهم در دوره باروک، "ارگ"، "کلاوسن (هارپسیکورد)" و "کلاویکورد" بودند.

بافت: موسیقی دوره پایانی باروک اغلب دارای بافت "پُلی فونیک" است.

کلام و موسیقی: آهنگسازان باروک، موسیقی را به منظور تجسم معنای ویژه به کار گرفته‌اند. بطور مثال واژه بهشت با صدایی زیر و واژه دوزخ با صدایی بم همراه می‌شود.

ارکستر: ارکستر در دوره باروک تکامل یافت. این ارکستر بنا به معیارهای امروزی، ارکستر کوچکی با ده تا چهل نوازنده بود. اساس این ارکستر بر سازهای خانواده ویلن بود.

فرم‌های موسیقی باروک: در تمامی فرم‌های این دوره شاهد تضاد میان حجم‌های صوتی می‌باشیم. در این موسیقی، اغلب تناوبی بسیار منظم میان گروه‌های کوچک و بزرگ از سازها دیده می‌شود. در دوره باروک موسیقی سازی اهمیتی چشمگیر داشت، و یکی از پیشرفتهای اصلی در این زمینه، پیدایش قطعاتی به نام "سونات" بودند. همچنین آهنگسازان باروک به آفرینش "سویت" که مجموعه‌ای از چند موومان الهام گرفته از رقص می‌باشد، پرداختند.

آهنگسازان مشهور "دوره باروک"، سباستین باخ، جورج فردریک هاندل، هنری پورسل، کلودیو مونتیه وردی، آنتونیو ویوالدی (خالق قطعه مشهور چهار فصل) و ... می‌باشند.

## ((ویلنسل در دوره باروک))

یکی از مشهورترین موسیقیدان دوره باروک "یوهان سباستین باخ" (۱۶۸۰-۱۷۵۰) می‌باشد. وی آهنگساز و ارگ نواز پرکار آلمانی است، که در آثار روحانی و غیرروحانی‌اش برای دسته آواز، ارکستر و تک سازها، تقریباً تمام انواع متفاوت موسیقی باروک به غیر از اپرا، را خلق کرده و این نوع موسیقایی را به بلوغ خویش رسانیده است. باخ توانست که سبک شایع در موسیقی آلمان را با فنون قوی و خیره‌کننده کنتربوان، غنی سازد. این فنون بر تنظیم چیدمان هارمونیک و موتیفی در مقیاس خرد و وسیع مبتنی بود. لطافت قوی موسیقی باخ و گستردگی حاصل هنر وی، او را به عنوان یکی از بزرگ‌ترین آهنگسازان غرب در سنت تُنال مشهور ساخته است. او خالق آثاری چون "کنسرتوهای براندنبورگ"، "سوئیت‌ها" و "پارتیتاها" برای ساز کلاویه‌ای، "مس در سی مینور"، "پاسیون به روایت متای قدیس"، "پیشکش موسیقایی"، هنر "فوک" و تعداد فراوانی "کانتات"، می‌باشد. موسیقی باخ تا سالها پس از مرگش کم و بیش متروک ماند و انتشار نیافت. موسیقی او از نظر آمیختن بافت "پلی فونیک" با هارمونی غنی، بی‌همتا است. "باخ" بزرگترین موسیقیدان مسیحی تاریخ است. "کانتات" های وی انجیل دوم شناخته شده است. او بسیاری از آثار خود را برای جلال خدا نوشته است.

## سوئیت باروک

در گذشته آثار سازی اغلب برای مجلس‌های رقص که در قصرها برپا می‌شدند به نگارش درمی‌آمد. در دوره باروک گونه‌ای از موسیقی سازی ساخته شد که از نظر تمپو، وزن و ریتم با رقص‌هایی خاص مرتبط بود؛ گونه‌ای که نه برای رقص بلکه برای شنیدن ساخته می‌شد.

سوئیت باروک، برای ساز سولو یا برای گروه کوچکی از سازها و یا برای ارکستر اگر به نگارش درآمده باشد از موومانهایی ساخته شده است که همگی در یک تنالیتیه اما از نظر تمپو و وزن با یکدیگر متفاوت هستند. موومانهای سوئیت اغلب فرمی دوبخشی (باینری) دارند که در آن هریک از بخشها تکرار می‌شود با فرمی که بصورت **AABB** نشان داده شده است. بخش **A** در تنالیتیه تونیک آغاز شده و به تنالیتیه دومینانت مدولاسیون می‌کند و بخش **B** در تنالیتیه دومینانت آغاز می‌شود و به تنالیتیه تونیک باز می‌گردد. سوئیت اغلب با موومانی آغاز می‌گردد که الهام گرفته از رقص نیست. اوورتور فرانسوی یکی از این‌گونه موومان‌ها است که در آغاز سوئیت متداول بوده است. اوورتور فرانسوی از دو بخش تشکیل شده است که بخش نخست کند و از ریتمی نقطه‌دار و بخش دوم تمپوی تند و حالت سبک دارد.

سوئیت از فرم‌های سازی مهم دوره باروک بوده است و باخ چهار سوئیت ارکستری که زمان آفرینش آنها به درستی در دسترس نیست ساخته است.

مردم موسیقی سازی مربوط به دوره باروک متشکل از تعدادی موومان هریک با صفت اختصاصی یک رقص و همگی در یک تنالیتیه. گاه در ابتدای سوئیت قسمتی به نام پرلود تصنیف می‌شد. سوئیت به عنوان یک نمونه همکاری بین‌المللی نیز در نظر گرفته می‌شود زیرا هریک از موومان‌های آن به سرزمینی متعلق است.

ژیگ؛ انگلستان - سارا باندا؛ اسپانیا - کورانت؛ فرانسه - آلمان؛ آلمان - سوئیت‌های امروزی البته بسیار آزادانه‌تر و متنوع‌تر تصنیف می‌شود.

سوئیت در گذشته بصورت ترکیبی از یک رقص در میزان‌های ساده و همچنین در میزانهای ترکیبی ظاهر می‌شد.

- آلمانند یک رقص در میزان  $\frac{4}{4}$  با آوف تاکت کوتاه

- کورانت رقصی است که در میزان تند سه قسمتی با ریتمی سریع و گاه با نوت‌های نقطه‌دار و همچنین آوف تاکت در شروع و پرتحرک.

- ساراباند معرف رقصی است زنده و مفرح در میزان سه قسمتی و حرکت معتدل با تکیه بر دومین حزب و غالباً بدون آوف تاکت. این رقص در بین جملات سوئیت، رقصی آهسته محسوب می‌شود.

- ژینگ رقصی است سریع در میزان  $\frac{3}{8}$   $\frac{6}{8}$   $\frac{9}{8}$   $\frac{12}{8}$  با ای‌میتاسیون در شروع صداها که در قسمت دوم بصورت معکوس ظاهر می‌شود، با تکنیک فوگ در تمپوی سریع. ژینگ کاراکتر رقص پایانی را به خود اختصاص می‌دهد. این رقص به ندرت در میزان  $\frac{6}{4}$  بکار می‌رود مانند اولین سوئیت فرانسوی اثر یوهان سباستین باخ.

"سوئیت‌های سلوی" باخ که برای ساز ویلنسل نوشته شده‌اند؛ در زمره معروف‌ترین آثار دوره باروک هستند.

ویلنسل در دوره باروک شکل تکامل یافته امروزی را نداشته است، به همین خاطر، در سوئیت شماره ۵ اثر باخ، سیم لا بر روی نت سل کوک می‌شده است، همچنین سوئیت شماره ۶، برای ویلنسل کوچکتر از حد استاندارد امروز و دارای پنج سیم (می، لا، ر، سل، دو) نوشته شده است. در روند پیشرفت این ساز و با ابداع پوزیسیونهای دیگر، این سوئیتها امروزه با ویلنسل چهار سیم و بدون تغییر در کوک اجرا می‌گردد.



سوئیت‌ها در دوران باروک همگی از موومان‌هایی با تونالیته یکسان، اما با تمپو، وزن و سرشت متفاوت، ساخته شده‌اند. منشأ سوئیت‌های این دوران، انواع رقص‌های محلی و بومی در اروپا می‌باشد. هر سوئیت شامل شش یا هفت قسمت می‌باشد که امروزه به این ترتیب اجرا می‌شود: "پرلود Prelude"، "آلمانده Allemande"، "کورانت Courante"، "سارابانده Sarabande"، "منوئت Menuet" (گاهی به جای منوئت، "بوره Bourree" اجرا می‌شود)، "ژیگ Gigue"

ویژگی‌های موسیقی باروک، در این سوئیت‌ها آشکارا نمایان است. موومانهای مختلف سوئیت بیانگر احساساتی همچون سرور، حزن، اندوه و هیجان می‌باشند. الگوهای خاص ملودیک، به بیان حالتها و احساسات اشاره داشته، و در طول قطعه پیاپی تکرار می‌گردد. همچنین یگانگی ریتم با تکرار الگوهای ریتمیک نشان داده شده است.

"ملودی" در آثار دوران باروک، بیش از آنکه القاگر حسی متوازن و متقارن باشد، پدیدآورنده حسی از گسترش و پویایی ریتمیک می‌باشد. یک عبارت کوتاه، اغلب با حرکتی طولانی، که جریان بی‌وقفه از نتهای سریع و چالاک است، دنبال می‌شود. این حرکت جهت‌دار بیشتر از یک سکانس ملودیک سرچشمه می‌گیرد، که تکرار پیاپی یک ایده موسیقایی در سطوح صوتی زیرتر یا بم‌تر می‌باشد.

نوازندگان بزرگ ویلنسل چون فورنیه، ژاکلین دُپره، روسترو پوویچ و یویوما از آرتیکولاسیون‌های مختلف در اجرای سوئیت‌های باخ استفاده می‌کردند. این آرتیکولاسیون‌ها، شاید اجرای سوئیتها را از نظر موزیکالیته متفاوت کند، ولی در هرکدام تکرار ریتم‌ها کاملاً مشخص می‌باشد.

در این دوران تشکیل ارکسترهای کوچک، کوارتت‌ها و کوئینتت‌ها، تأثیر چشمگیری در استفاده از ساز ویلنسل داشته است. اگرچه از ویلنسل بیشتر به عنوان باس ارکستر و در نقش همراهی استفاده گردیده، اما از اهمیت این ساز در رنگ‌سازی به سادگی نمی‌توان گذشت.

## Tim Janof (تیم جانوف)

مدیر کانون ویولنسل و رئیس کنگره ویولنسل در سیاتل آمریکا می‌باشد.

مصاحبه‌های وی با بیش از هفتاد ویولونسل‌یست، مدرس و صاحب‌نظر از جمله Starker،

Anner Bylsma، Rostroporich؛ اطلاعات مفیدی برای نوازندگان ویولنسل دنیا بشمار می‌آید.

او تاکنون چندین مقاله در کانون اینترنتی ویولنسل منتشر کرده که مورد توجه بسیاری از هنر دوستان قرار

گرفته است. از جمله این مقالات میتوان به رقص باروک، سوئیت‌های باخ برای ویولنسل اشاره کرد.

او همچنین نویسنده چندین مقاله در نشریه‌های Strad و مجله معتبر جامعه مدرسین سازهای زهی آمریکا

است. وی پیش از شروع فعالیت‌هایش در کانون اینترنتی ویولنسل رئیس کانون ویولنسل در سیاتل، مدرس

مرکز موسیقی و مایستر ویولنسل در ارکسترهای محلی در همه سیاتل بود.

- تیم جانوف (Tim Janof) نوازندگی ویولنسل را بصورت خودآموز شروع کرده و تا سال دوم کالج با

همین شیوه ادامه داد. او توانست جایی برای خود در ارکستر جوانان سیاتل بگشاید بدون اینکه معلمی

داشته باشد. سپس با استادانی چون Cordelia Wikarski، Eva Heinitz، Toby Saks، نوازندگی

ویولنسل را ادامه داد.

تیم جانوف (Tim Janof) به عنوان مهندس برق شغل حرفه‌ای اش را دنبال می‌کرد و در حاشیه به عنوان

نویسنده، آهنگساز، نوازنده فعالیت می‌کرد.

## شش سویت باخ :

شش سویت اثر یوهان سباستین باخ برای ویولنسل بدون همراهی بزرگترین اثری است که در زمان خود برای ویولنسل نوشته شده است. باخ این قطعات را در سالهای ۱۷۱۷ تا ۱۷۲۳ نوشته است. یعنی زمانیکه باخ به عنوان رهبر ارکستر کار می‌کرده است.

سوئیت‌ها شامل متنوع‌ترین متدهای تکنیکی و قسمتی از تعاملات باخ است که امروزه در بین آثار بسیار معروف باخ شناخته شده و منجر به تعبیر ثبت شده متفاوتی شده است که به شدت از سوی حامیانش حمایت می‌شود.

تحقیقات اخیر گویای این مطلب است که این قطعات برای ویولنسل شناخته شده‌ای که بین پاها گذارده و نواخته می‌شود نیست، بلکه برای ویلنی است که بر روی شانه می‌گذارند و می‌نوازند.

Ryo Terakado و Sigiswald Kuijken هر دو، سویت‌ها را به طور کامل با ویلنی که امروزه به عنوان ویولا شناخته شده است اجرا نموده‌اند.

شش سویت باخ برای سازهای متعددی نت نویسی شده است که شامل ویلن، ویولا، کنترباس، ماندولین، پیانو، ماریمبا، گیتار کلاسیک، ریکورد، هورن، ساکسیفون، کلارنیت باس، فاگوت، ترومپت، ترومبون، توبا می‌باشد.

طبق تاریخ‌نگاری دقیق، سویت‌ها (طبق ترتیبی که این قطعات نوشته شدند) نمی‌توانند به طور کامل نوشته شده باشند و در ارتباط با اینکه یا اول سویت‌ها نوشته شده‌اند یا سونات‌ها اطلاعات کافی در دسترس نیست اگرچه محققین این موضوع را باور دارند که شش سویت باخ تا قبل از دهه ۱۹۰۰ شناخته شده نبودند، بعد از مدت زمان طولانی تصمیم بر این بود که سویت‌ها را قطعات کوتاهتری تبدیل کنند؛ اگرچه بعد از چاپ

Pablo-Casals و Grutzmacher به تجزیه و تحلیل آن پرداخته‌اند و بعدها در سال ۱۹۲۵ در ۴۸

سالگی شش سوئیت را به عنوان اولین شخص ثبت کرده و این موضوع باعث شناخته شدن و معروفیت وی شده است که هنوز به طور گسترده‌ای در دسترس می‌باشد.

برخلاف سوناتهای ویلن باخ، هیچگونه نسخه خطی که به امضای وی باشد باقی نمانده است در حالیکه نسخه نوشته شده‌ای که توسط همسر باخ (آنا ماگدالنا) نوشته شده است به صورت صحیح و قابل استفاده در دسترس می‌باشد.

تحقیقاتی اخیراً توسط پرفسور Martin Jarvis از دانشکده موسیقی دانشگاه چارز داروین Charles Darwin در استرالیا صورت گرفته که بر این مضمون است: آنا ماگدالنا آهنگساز چندین قطعه موسیقی بوده است و آهنگسازی را نتیجه کمک‌های همسرش دانسته است.

Jarvis بر این معتقد است که ماگدالنا شش سوئیت ویولنسل را برای تک‌خوانی بدون همراهی نوشته است، با این وجود موسیقی شناسان و نوازندگان باتجربه به آثار به طور تردیدآمیزی به این موضوع می‌نگرند.